

پژوهشهای جغرافیایی - شماره ۳۸، مهرماه ۱۳۷۹
صص ۸۵-۹۶

اثر تحولات جمعیت روستایی شهرستان بهار طی سالهای ۲۵-۱۳۵۵ بر ساختارهای فضایی - مکانی ناحیه

دکتر احمد پورا احمد - دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه تهران
نبی‌الله سلطانی - دانشجوی سابق دوره کارشناسی ارشد جغرافیا

چکیده

با توجه به تأثیر ساختار جمعیت و تحولات آن بر سکونتگاههای شهری و روستایی، در این مقاله سعی شده است تا تحولات جمعیت روستایی ناحیه بهار همدان را طی دوره ۲۰ ساله (۱۳۷۵-۱۳۵۵) بر اساس ساماندهی فضایی سکونتگاههای روستایی و در چارچوب تقسیمات سیاسی موجود کشور مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. سپس نتایج حاصل که از جمله آن می‌توان به بروز عدم تعادل در توزیع نقاط روستایی و میزان جمعیت آنها و همچنین حرکت روستاها به سمت قطبی شدن اشاره نمود، مورد ارزیابی قرار گرفته است. روش تحقیق مبتنی بر روشهای کمی و آماری و استفاده از مدل‌های علمی در تجزیه و تحلیل آمارهای جمعیتی بوده است.

واژگان کلیدی: توزیع جمعیت، تعادل جمعیتی، ساختار فضایی - مکانی، سکونتگاههای روستایی شهرستان بهار، قطب‌گرایی

مقدمه

طی دهه‌های اخیر، در کشورهای در حال توسعه به سبب در حاشیه قرار گرفتن روستاها و بخش اقتصاد روستایی در اقتصاد ملی، بخش زیادی از جمعیت روستایی بطرف مراکز شهری مهاجرت کرده و با ادامه این روند، مسائل و مشکلات عدیده‌ای را بر دوش این دسته از کشورها متحمل ساخته است. لذا در این بررسی سعی شده است تا تصویر روشنی از تحولات جمعیتی سکونتگاههای روستایی منطقه مورد مطالعه طی یک دوره ۲۰ ساله ارایه شود تا با تکیه بر نتایج حاصل از این تحقیق، راهکارهای مناسب جهت یک برنامه‌ریزی اصولی و کارآمد برای روستائیان با تأکید بر توسعه روستایی^(۱) مورد استفاده واقع گردد.

جمعیت پدیده‌ای است که همواره در حال دگرگونی است و این دگرگونی به دو صورت تحرک مکانی و تحرک زمانی، تغییری همیشگی خواهد داشت (نیک خلق، ۱۳۷۴: ص ۴۵). ایجاد رابطه بین جمعیت و فضاها

جغرافیایی روشنگر شکل تراکم و بهره‌گیری انسانها از فضاها است. بی‌گمان شرایط طبیعی محیط، نقش قاطعی را در نحوه اشتغال، توزیع و تراکم منطقه‌ای جمعیت بازی می‌کند (فرید، ۱۳۷۴: ص ۴)

مسئله مورد پژوهش و فرضیات

در این پژوهش ویژگیهای جمعیتی ناحیه در پهنه فضای مکانی و نحوه تکامل و پراکنش آنها در سطح ناحیه بررسی گردیده و در آن نسبت به ناهمگونی سازمانهایی که توسط جمعیت‌ها شکل گرفته‌اند، آگاهی می‌یابیم. با برقراری ارتباط بین وسعت داده‌های فضایی و جمعیت مستقر، کیفیت اشغال فضا مورد بررسی قرار گرفته و تصویری از نحوه تکامل و پراکنش جمعیت روستایی ناحیه در سطح فضای ناحیه‌ای ترسیم گردیده است. فرضیات مورد پژوهش در این تحقیق، اولاً توجه به بروز عدم تعادل در پراکنش جمعیت سکونتگاههای روستایی در سطح فضای ناحیه طی دوره مورد نظر است و در ثانی بنظر می‌رسد که جمعیت روستایی ناحیه به سمت قطب‌گرایی و تمرکز جمعیتی در سطح فضای ناحیه حرکت می‌کند.

روش بررسی و ویژگیهای ناحیه مورد نظر

در این بررسی، ابتدا محدوده موضوع مشخص گردیده و سپس به تبیین مسئله و ارایه پیش‌فرضهای تحقیق پرداخته شده است؛ سپس برای رسیدن به نتیجه، با استفاده از اطلاعات گردآوری شده مربوط به آمارهای جمعیتی سه دوره سرشماری ۵۵، ۶۵، ۷۵ و با استخراج و طبقه‌بندی اطلاعات به تجزیه و تحلیل اطلاعات داده‌ها با استفاده از روشهای کمی و ریاضی پرداخته شده است. همچنین برای نمایش بهتر پدیده‌های جمعیتی از نقشه و نمودار نیز استفاده گردیده است.

ناحیه مورد مطالعه، شهرستان بهار از توابع استان همدان به مرکزیت شهر بهار می‌باشد که از شهر همدان (مرکز استان) تنها ۱۵ کیلومتر فاصله دارد. جاده غرب از غرب این شهرستان عبور می‌نماید در حوضه نفوذ مستقیم شهر همدان قرار دارد. بر اساس سرشماری سال ۱۳۷۵ شهرستان بهار دارای ۳ نقطه شهری و ۳ بخش بنامهای بهار، لاله جین و صالح آباد و ۵ دهستان به نامهای مهاجران، سفالگران، دیم‌کاران، صالح آباد و سیمینه رود با ۷۰ آبادی دارای سکنه و ۷ آبادی خالی از سکنه می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵: صص ۳۰-۲۰).

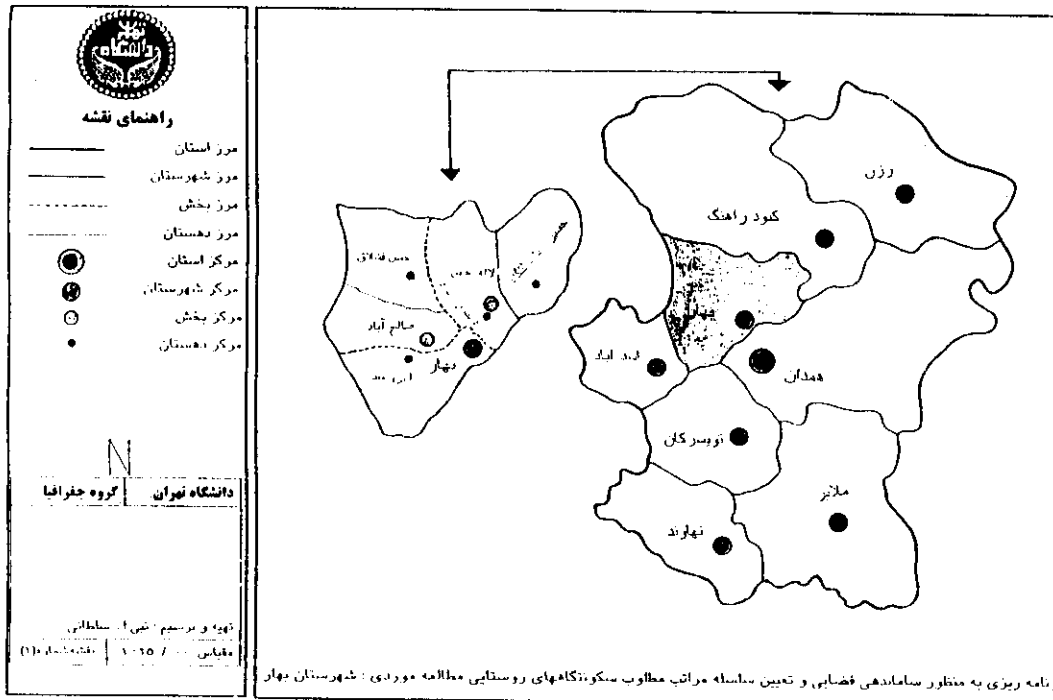
تعداد و تحولات جمعیت روستایی و شهری

تعداد جمعیت نه تنها بیانگر کمیت یا وزن جمعیتی یک سکونتگاه است، بلکه بازتاب عمل بسیاری از ویژگیهای طبیعی و فرهنگی می‌باشد و یک رابطه منطقی بین تعداد جمعیت و امکانات طبیعی یک سرزمین وجود دارد. (جمعه‌پور، ۱۳۷۵، ص ۱۵۶).

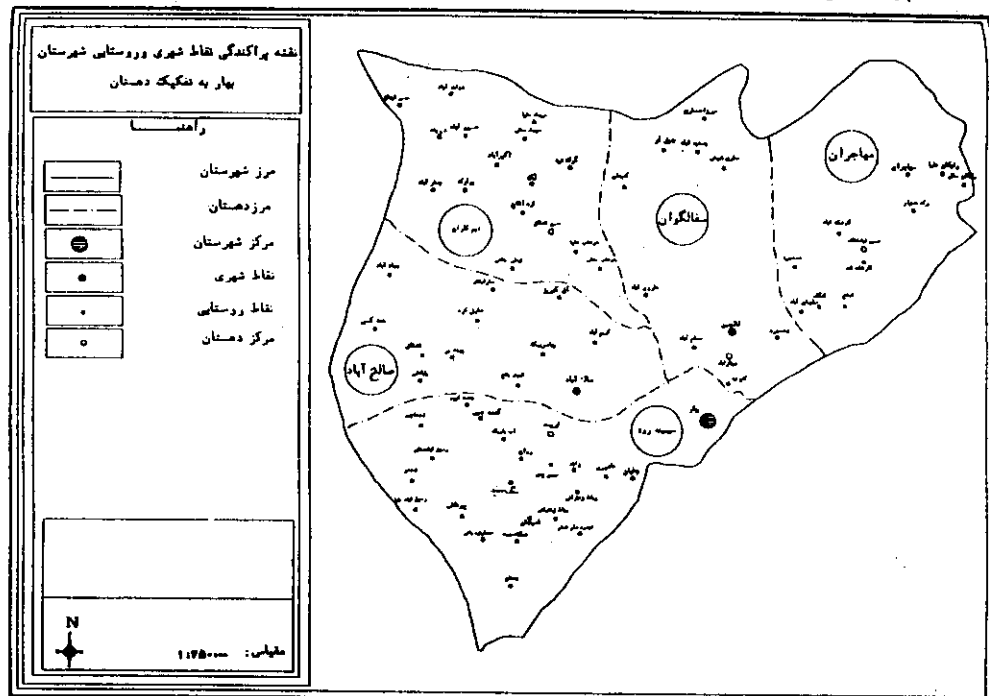
شهرستان بهار در سرشماری سال ۱۳۷۵ دارای ۱۲۷،۶۳۵ نفر جمعیت بوده که از این تعداد ۳۷/۷ درصد در نقاط شهری و ۶۲/۳ درصد در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ص ۵).

بررسی تغییرات اندازه جمعیتی در منطقه نشان می‌دهد که علیرغم کاهش نسبت جمعیت روستایی به شهری از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ رقم مطلق جمعیت روستایی در همین دوره افزایش یافته است. تغییرات نسبت جمعیت

نقشه ۱- نقشه موقعیتی شهرستان بهار



نقشه ۲- پراکندگی نقاط شهری و روستایی شهرستان بهار به تفکیک دهستان



روستایی و شهری در دوره فوق نشان می‌دهد که جمعیت روستایی از ۷۱/۵ درصد در سال ۵۵ به ۶۲/۳ درصد در سال ۷۵ کاهش یافته، ولی در همین دوره جمعیت مطلق روستایی از ۵۶،۶۴۲ نفر در سال ۵۵ به ۷۹،۴۵۷ نفر در سال ۷۵ افزایش پیدا کرده است. برعکس نقاط روستایی، جمعیت نقاط شهری هم از لحاظ درصدی و هم از لحاظ رقم مطلق، افزایش نشان می‌دهد؛ بطوریکه جمعیت شهری از ۲۸/۵ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۳۷/۷ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است. دلیل افزایش غیر طبیعی این جمعیت بویژه از سال ۶۵ به ۷۵ بوجود آمدن یک نقطه شهری جدید^(۱) در این شهرستان می‌باشد (مرکز آمار ایران، ۷۵، ۶۵، ۷۵).

جدول ۱- تغییرات نسبت جمعیت روستایی و شهری در طی دوره (۷۵-۵۵)

متغیرها	۱۳۷۵		۱۳۶۵		۱۳۵۵	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
کل شهرستان	۱۲۷۶۳۵	۱۰۰	۱۱۱۷۲۶	۱۰۰	۷۹۱۸۲	۱۰۰
نقاط روستایی	۷۹۴۵۷	۶۲/۳	۷۷۹۰۳	۶۹/۷	۵۶۶۴۲	۷۱/۵
نقاط شهری	۴۸۱۷۸	۳۷/۷	۳۳۸۲۳	۳۰/۳	۲۲۵۴۰	۲۸/۵

مأخذ: مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی جمعیت

توزیع مکانی جمعیت روستایی

پراکندگی جمعیت در فضا از دو بُعد قابل بررسی است؛ یکی پراکندگی جمعیت در واحد سطح و دیگری استقرار جمعیت در نقاط روستایی و شهری و عشایری که برای درک سازمان فضایی و الگوی استقرار جمعیت روستایی منطقه ضروری است (معزی، ۱۳۷۱، ص ۲۴). جمعیت روستایی منطقه در سال ۱۳۷۵ در ۷۰ نقطه روستایی دائمی استقرار داشته است. میانگین جمعیت روستایی برای هر سکونتگاه در سال ۷۵ حدود ۱۱۳۵ نفر و بالاترین و پایین‌ترین میزان جمعیت آن به ترتیب بین ۷۶۵۹ نفر (مربوط به روستای مهاجران) و ۳۹ نفر (مربوط به روستای خان‌آباد) در نوسان بوده است.

بمنظور درک بهتر ساختار فضایی جمعیت روستایی و نحوه استقرار جمعیت در سطح فضا، سکونتگاههای روستایی براساس اندازه جمعیتشان در ۷ طبقه و چهار گروه بزرگ جمعیتی مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار گرفته است.

با نگاه کلی به چگونگی توزیع روستاها در هر طبقه جمعیتی در خواهیم یافت که روستاها از طبقات پایین به بالا در دوره سرشماری ۷۵-۱۳۵۵ بطور هر می شکل از طبقات ۱ تا ۹۹ نفر تا ۲۵۰۰ نفر جمعیت افزایش یافته و سپس با کاهش مواجه شده است. میانگین جمعیت روستایی منطقه (۱۱۳۵ نفر برای هر روستا) بین آن است که بیشترین تعداد روستاهای طبقه‌بندی شده، مربوط به گروه روستاهای متوسط می‌باشد.

۱- شهر جدید صالح‌آباد با ۸۵۳۰ نفر جمعیت، مرکز بخش صالح‌آباد، در سال ۱۳۷۲ از طرف وزارت کشور به یک نقطه شهری تبدیل شد. این شهر به علت قرارگیری در موقعیت چهار راهی و نیاز به ایجاد یک شهرک بخشی در منطقه برای کاستن از فاصله شهر و روستا با گرفتن نقشهای جدید اداری - سیاسی به شهر تبدیل شد.

جدول ۲- تعداد و نسبت نقاط روستایی بر اساس طبقات جمعیتی (۷۵-۵۵)

طبقه جمعیتی	۱ تا							کل روستاها
	تا ۱۰۰	تا ۲۵۰	تا ۵۰۰	تا ۱۰۰۰	تا ۲۵۰۰	۵۰۰۰		
۷۵	۹۹	۲۴۹	۴۹۹	۹۹۹	۲۴۹۹	۴۹۹۹	ویشتر	
تعداد	۱	۶	۱۴	۲۱	۲۲	۵	۱	
درصد	۱/۴	۸/۶	۲۰	۳۰	۳۱/۴	۷/۱	۱/۴	
۶۵	۱	۶	۱۱	۲۳	۲۳	۵	۲	
تعداد	۱	۶	۱۱	۲۳	۲۳	۵	۲	
درصد	۱/۴	۸/۶	۱۵/۷	۳۲/۸	۳۲/۸	۷/۱	۲/۸	
۵۵	۰	۶	۱۹	۲۷	۱۷	۱	۰	
تعداد	۰	۶	۱۹	۲۷	۱۷	۱	۰	
درصد	۰	۸/۶	۲۷/۲	۳۸/۶	۲۴/۲	۱/۴	۰	
گروههای بزرگ روستایی	روستاها بسیار کوچک (کلانه)	روستاها کوچک (دهکده)	روستاها متوسط (روستا)	روستاها بزرگ (روستاشهر)				

مأخذ: سلطانی، نبی...!

روستاهاى کوچک (دهکده‌ها) در سال ۵۵ در حدود ۳۵/۷ درصد کاهش یافته است و از طرفی روستاهای بسیار بزرگ (روستاشهرها) و یا عبارتی روستاهای بالای ۲۵۰۰ نفر جمعیت از ۱/۴ درصد در سال ۵۵ به ۸/۵ درصد در سال ۷۵ افزایش یافته‌اند. با توجه به نحوه توزیع نقاط روستایی در طبقات جمعیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که روستاها در یک روند طبیعی بطرف قطب گرایی کشیده می‌شوند، یعنی روستاهای کوچک و بسیار کوچک بنفع روستاهای متوسط و روستاهای بزرگ تخلیه می‌شوند و این روند اگر ادامه یابد و شدت گیرد، باید آثار مخرب آنرا در شهرهای بزرگ مخصوصاً شهر همدان یافت. در اثر افزایش مهاجرت‌های روستایی به شهرها و روستاهای بزرگ منطقه و با توجه به کاهش میزان زاد و ولد در میان روستائیان، برخی از روستاهای طبقات مختلف جمعیتی در فاصله یک دوره آماری ۱۰ ساله ممکن است به دو حالت تغییر یابند و یا با رشد طبیعی جمعیت روستایی خود و پذیرش مهاجران جدید (از روستاهای کوچک اطراف که توانایی مهاجرت به شهرها را ندارند) به طبقه جمعیتی بالاتر صعود کنند و یا با افزایش بیش از حد مهاجرین روستایی و کوچک بودن و معمولاً دور افتاده بودن و کمبود امکانات بهداشتی - درمانی و مرگ و میر نسبتاً بالا نسبت به روستاهای بزرگ‌تر، به طبقه پایین‌تر و در نهایت در اثر ادامه همین روند، از جمعیت تخلیه شوند. توزیع روستاهای کوچک و بسیار کوچک در جدول مذکور در طی یک دوره ۲۰ ساله نشان می‌دهد که این روستاها از نظر تعداد و جمعیت در حال کاهش هستند. این کاهش می‌تواند به دو دلیل عمده باشد:

- ۱- افزایش جمعیت این روستاها و تبدیل شدن آنها به روستاهای متوسط. بررسی جمعیت و نرخ رشد جمعیتی هر کدام از روستاهای این طبقات که در ادامه بحث در مورد آن صحبت خواهد شد، نشان می‌دهد که این عامل در کاهش روستاهای کوچک نه بی‌تأثیر ولی بسیار کم اثر بوده است و این عامل نمی‌تواند دلیل قاطعی باشد.
- ۲- مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها و روستاهای بزرگتر منطقه، این عامل بعنوان عمده‌ترین دلیل در

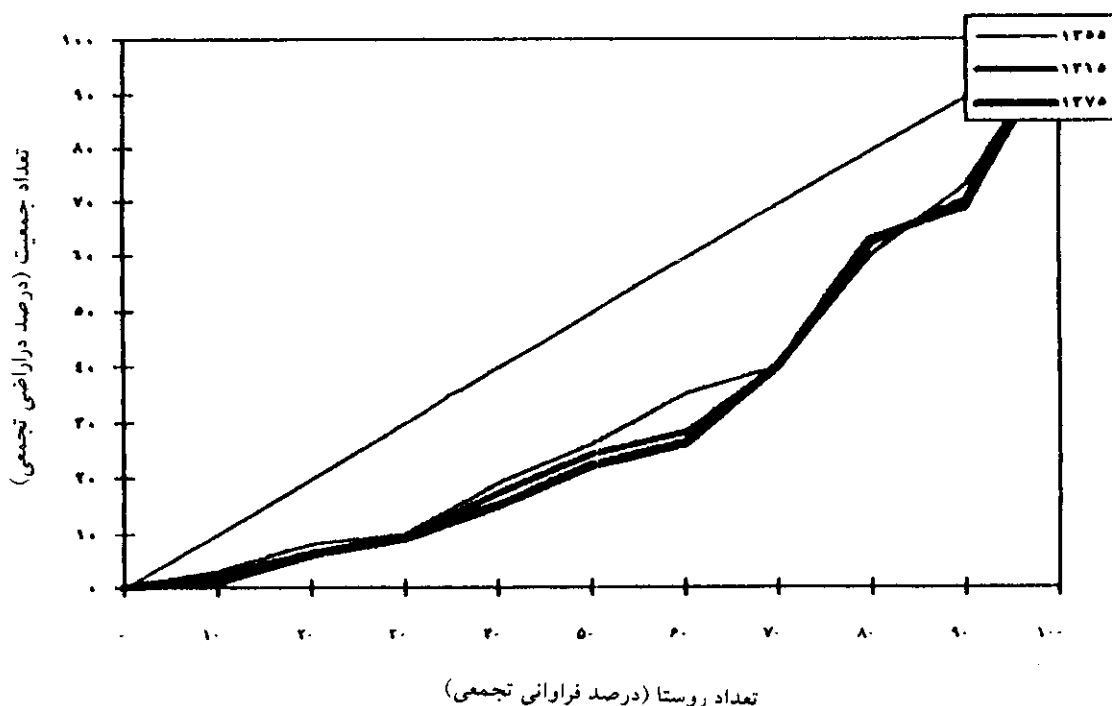
کاهش تعداد روستاهای کوچک و بسیار کوچک می باشد. علت کاهش درصدی تعداد روستا شهرها (۲۵۰۰ نفر به بالا) از سال ۶۵ به ۷۵ تبدیل شدن روستاهای صالح آباد به یک منطقه شهری بوده است.

نسبت توزیع جمعیت در نقاط روستایی

جمعیت روستایی با اندازه های جمعیتی مختلف در مجموعه ای از نقاط در ناحیه استقرار یافته است. بررسی اندازه و یا وزن جمعیت مجموعه نقاط و روند تغییر در اندازه جمعیتی سکونتگاهها، نکته مهمی در درک الگوی توزیع جمعیت و دگرگونی آن می باشد (جمعه پور، ۱۳۷۵، ص ۱۷۳).

مقایسه نسبت تجمعی روستاهای ناحیه در طبقات جمعیتی عمده نشان می دهد که، از لحاظ الگوی توزیع جمعیت در طبقات جمعیتی طی دوره ۲۰ ساله، یک روند نامنظم افزایش و کاهش طی شده است. با شناخت و بررسیهای قبلی از نحوه توزیع جمعیتی نقاط روستایی در طبقات جمعیتی عمده که در بخش توزیع مکانی جمعیت آورده شد، برای نشان دادن نحوه توزیع جمعیت روستاها، سطح تعادل آن و میزان تغییرات سطح تعادل در دوره های زمانی ۵۵ تا ۷۵ از منحنی لورنز استفاده شده است (نمودار شماره ۳) ضریب جینی برای توزیع پدیده مورد نظر که بیان کمی میزان تعادل یا عدم تعادل بین دو پدیده طبقات جمعیتی و تعداد روستاها می باشد، برای دوره های سرشماری ۵۵، ۶۵ و ۷۵ محاسبه و به ترتیب نتایج ۴۳/۶، ۴۳/۲ و ۴۸/۵ بدست آمده است. هرچه ضریب جینی به یک نزدیکتر باشد، عدم تعادل بیشتر و هرچه به صفر نزدیکتر باشد، تعادل بین دو پدیده بیشتر خواهد بود؛ بطوریکه صفر و یک به ترتیب نماینده تعادل و عدم تعادل کامل می باشند. ضریب جینی بدست آمده برای نحوه توزیع جمعیت در طبقات جمعیتی بیانگر تعادل نسبی از سال ۵۵ به ۶۵ و عدم تعادل از سال ۶۵ به ۷۵ در تعداد و اندازه روستاها طی دوره های مورد بررسی می باشد (سلطانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۰).

نمودار ۱- منحنی لورنز



جدول ۳- تعدد و نسبت تجمعی جمعیت روستاها به تفکیک طبقات جمعیتی در سطح منطقه

۵۵		۶۵			۷۵			طبقه جمعیتی				
درصد تجمعی	درصد روستاها	میانگین جمعیت روستا	تعداد روستا	درصد تجمعی	درصد روستاها	میانگین جمعیت روستا	تعداد روستا	درصد تجمعی	درصد روستاها	میانگین جمعیت روستا	تعداد روستا	
۰	۰	۰	۰	۰/۱۲	۱/۴	۸۳	۱	۰/۰۵	۱/۴	۳۹	۱	۱-۹۹
۲	۸/۶	۱۸۷	۶	۱/۸۲	۱۰	۲۱۷	۶	۱/۳۵	۱۰	۱۷۶	۶	۱۰۰-۲۴۹
۱۴/۷	۳۵/۷	۳۶۳	۱۹	۷/۵۵	۲۵/۷	۴۰۶	۱۱	۸/۲	۲۸/۶	۳۷۹	۱۴	۲۵۰-۴۹۹
۴۶/۸	۷۴/۴	۶۸۴	۲۷	۲۸/۵	۵۸/۵	۷۱۲	۲۳	۲۸/۱	۶۰	۷۶۶	۲۱	۵۰۰-۹۹۹
۹۱/۶۴	۹۸/۶	۱۴۹۴	۱۷	۷۱/۷	۹۱/۳	۱۴۶۲	۲۳	۷۰/۷	۹۱/۴	۱۵۲۷	۲۲	۱۰۰۰-۲۴۹۹
۰	۰	۰	۰	۰	۰	۷۰۵۶	۱	۰	۰	۷۶۵۹	۱	<۵۰۰
۱۰۰	۱۰۰		۷۰		۱۰۰		۷۰	۱۰۰	۱۰۰		۷۰	کل

مأخذ: سلطانی، نبی...

روند پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی

برای سنجش میزان پراکندگی سکونتگاه‌های روستایی و روند تغییر اندازه آنها از مدل آنتروپی استفاده شده است. این مدل معیاری برای سنجش یکنواخت بودن متغیرهای مورد نظر است. در این مدل از متغیرهایی چون P_i توزیع فراوانی نسبی $P_i(%)$ درصد توزیع فراوانی LOG_n لگاریتم طبیعی استفاده شده است. برای تعیین روند تغییر توزیع روستاها در طبقات جمعیتی مختلف، مدل آنتروپی برای توزیع تعداد سکونتگاهها در طبقات جمعیتی در طی دوره ۲۰ ساله محاسبه شده است.

میزان آنتروپی بدست آمده همانطور که در جدول شماره (۴) می‌بینیم، طی دوره‌های ۵۵، ۶۵ و ۷۵ به ترتیب برابر با ۱۴۱/۹ - ۱۳۳ - و ۱۳۵/۸ - بوده است. نتایج بدست آمده از این مدل نشان می‌دهد که در طول دوره مذکور از سال ۶۵ تا ۱۳۵۵ نحوه توزیع روستاها در طبقات جمعیتی در تعادل نسبی و از سال ۷۵ تا ۱۳۶۵ با افزایش روند مهاجرت از روستاها به شهرها بعنوان عمده‌ترین عامل تغییر دهنده تعادل، بطرف عدم تعادل پیش می‌روند (سلطانی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۳). روستاها بخصوص روستاهای بزرگ بطور طبیعی و در یک فضای رقابتی، با نفوذ در نهادهای اداری و سیاسی مرکز ناحیه و کسب نقش‌های اداری - سیاسی و خدمات بیشتر بطرف الگوی تمرکز جمعیتی نامتوازن در چند سکونتگاه جمعیتی بزرگ حرکت می‌کنند.

جدول ۴- محاسبه میزان آنتروپی نقاط روستایی به تفکیک طبقات جمعیتی (۷۵-۱۳۵۵)

۷۵				۶۵				۵۵				متغیرها
LiLn-pi	Ln-pi	pi(%)	pi	LiLn-pi	Ln-pi	pi(%)	pi	LiLn-pi	Ln-pi	pi(%)	pi	طبقه جمعیتی
۰/۲	۰/۱۵	۱/۴	۱	۰/۲	۰/۱۵	۱/۴	۱	۰	۰	۰	۰	۱-۹۹
۸	۰/۹۳	۸/۶	۶	۸	۰/۹۳	۸/۶	۶	۸	۰/۹۳	۸/۶	۶	۱۰۰-۲۴۹
۲۶	۱/۳	۲۰	۱۴	۱۸/۸	۱/۲	۱۵/۷	۱۱	۳۸/۹	۱/۴۳	۲۷/۲	۱۹	۲۵۰-۴۹۹
۴۴/۴	۱/۴۸	۳۰	۲۱	۴۹/۹	۱/۵۲	۳۲/۸	۲۳	۶۱/۴	۱/۵۹	۳۸/۶	۲۷	۵۰۰-۹۹۹
۴۵	۱/۵	۳۱/۴	۲۲	۴۹/۹	۱/۵۲	۳۲/۸	۲۳	۳۳/۴	۱/۳۸	۲۴/۲	۱۷	۱۰۰۰-۲۴۹۹
۶	۰/۸۵	۷/۱	۵	۶	۰/۸۵	۷/۱	۵	۰/۲	۰/۱۵	۱/۴	۱	۲۵۰۰-۴۹۹۹
۰/۲	۰/۱۵	۰/۴	۱	۰/۲	۰/۱۵	۱/۴	۱	۰	۰	۰	۰	<۵۰۰۰
$\Sigma piLnpi = -۱۳۵/۸$				$\Sigma piLnpi = -۱۳۳$				$\Sigma piLnpi = -۱۴۱/۹$				H

Pi(%) = فراوانی نسبی (درصد)

Pi = فراوانی نسبی

PiLnPi = درصد فراوانی نسبی X لگاریتم طبیعی

LnPi = لگاریتم طبیعی درصد فراوانی نسبی

مأخذ: سلطانی، نبی...

تراکم نسبی جمعیت روستایی

تراکم نسبی هر چند ملاک دقیقی در بررسی الگوی فضایی استقرار جمعیت نیست؛ ولی میزان آن تا حد زیادی بازگو کننده توان جمعیت پذیری مکانهاست (روبرتسن، ۱۹۷۱، ص ۱۳۴). در این مقوله سعی بر آن است که تراکم نسبی برای هر دهستان بطور جداگانه مورد محاسبه قرار گیرد تا از این طریق بتوان نتایج بدست آمده از هر یک را با هم مقایسه گردد. البته این پدیده جمعیتی برای کل ناحیه نیز محاسبه گردیده و نتایج آن با نتایج کشور و استان مورد مقایسه قرار گرفته است (نیک خلق، ۱۳۷۴، ص ۴۵).

تراکم نسبی برای کل جمعیت شهری و روستایی ناحیه در سال ۷۵ در حدود ۹۶ نفر در هر کیلومتر مربع می باشد که در مقایسه با تراکم نسبی استان همدان (۸۶ نفر در هر کیلومتر مربع) از تراکم بالاتری برخوردار است. این تراکم بالا، بدلیل وجود پتانسیل قوی طبیعی چون دشت بهار با منابع آبی و خاکی غنی می باشد. تراکم نسبی جمعیت روستایی در همین دوره حدود ۵۹/۸ نفر در هر کیلومتر مربع بوده که در مقایسه با تراکم نسبی جمعیت روستایی کل کشور (معادل ۱۳/۷ نفر در هر کیلومتر مربع) رقم بسیار بالایی را نشان می دهد. این نتیجه نشان دهنده آن است که ناحیه مورد مطالعه یک ناحیه روستا-شهری یا ناحیه کشاورزی می باشد. تراکم نسبی موجود در دهستانها نشان می دهد که بیشترین تراکم مربوط به دهستان سیمینه رود و کمترین تراکم مربوط به دهستان سفالگران است. این تراکم از ۸۳/۴ نفر تا ۴۰/۸ نفر در هر کیلومتر مربع در محدوده دهستانهای ناحیه متغیر می باشد.

نرخ رشد جمعیت روستایی ناحیه

تأثیر مهاجرت به داخل و نیز موالید، باعث افزایش رشد جمعیت و فوت و مهاجرت به خارج، باعث کاهش رشد جمعیت می‌شود (شیخی، ۱۳۷۱: ۸۷). نسبت توزیع روستاهای ناحیه در طبقات نرخ رشد طی دوره ۲۰ ساله نشان می‌دهد که از سال ۶۵ تا ۱۳۵۵ اکثر روستاها دارای نرخ رشدی بالاتر از ۲٪ بوده‌اند؛ حال آنکه از سال ۷۵ تا ۱۳۶۵ دارای رشدی کمتر از ۲٪ بوده، بطوریکه حتی ۵۲/۷ درصد از کل روستاهای ناحیه رشدی منفی (کمتر از صفر) داشته‌اند و این روندی است که در حال حاضر نیز در سطح روستاهای ناحیه ادامه دارد. علت امر آن است که از سال ۶۵ تا ۱۳۵۵ هم رشد جمعیتی در جامعه بخصوص جوامع روستایی بالا بوده و هم میزان مهاجرتها بدلائل مختلف، کمتر از دوره ۷۵ تا ۱۳۶۵ بوده است؛ ولی در دوره ۷۵ تا ۱۳۶۵ هم رشد جمعیتی کاهش یافته و هم بدلیل سیاستهای متخذه در برنامه‌های توسعه قبلی، سیر مهاجرتها بخصوص مهاجرت روستا به شهر روندی رو به افزایش داشته است. نتیجه این روند، کاهش نرخ رشد جمعیتی روستاهای ناحیه از سال ۷۵ تا ۱۳۶۵ بوده است. نرخ رشد جمعیت به تفکیک طبقات جمعیتی طی دوره آماری ۲۰ ساله نشان می‌دهد که از سال ۷۵ تا ۱۳۵۵ بالاترین میزان نرخ رشد مربوط به طبقه جمعیتی ۴۹۹۹-۲۵۰۰ (روستا شهرها) بوده و روستاهای کوچک و متوسط (تا ۱۰۰۰ نفر جمعیت) دارای رشدی منفی، یعنی با کاهش جمعیت مواجه بوده‌اند. این امر پیش فرض ما را در زمینه قطبی شدن جمعیت روستایی در مراکز جمعیتی بزرگ تأیید می‌نماید.

بررسی نرخ رشد جمعیت روستایی به تفکیک دهستانهای ناحیه در همین دوره نشان می‌دهد که دهستان مهاجران بالاترین میزان رشد و دهستان صالح آباد کمترین میزان نرخ رشد را دارا بوده‌اند و بقیه دهستانها از نظر میزان نرخ رشد، وضعیتی مابین این دو دهستان داشته‌اند. این امر در جداول شماره (۵ و ۶) بوضوح قابل مشاهده است، علت بالا بودن نرخ رشد منطقه نسبت به یک منطقه دیگر می‌تواند بدلائل مختلف مانند توسعه یافتگی و

جدول ۵- نرخ رشد جمعیت به تفکیک طبقات جمعیتی در دوره‌های مختلف (درصد)

نرخ رشد بر حسب طبقات جمعیتی	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۷۵	نرخ رشد (%)
۱-۹۹	۰	۳۹	۵۵-۷۵
۱۰۰-۲۴۹	۱۱۱۹	۵۴۴۴	۰/۳-
۲۵۰-۴۹۹	۶۸۹۳	۱۵۸۰۷	۱/۲-
۵۰۰-۹۹۹	۱۸۴۵۶	۳۳۸۴۶	۰/۸-
۱۰۰۰-۲۴۹۹	۲۵۳۹۸	۳۳۸۴۶	۱/۴۵
۲۵۰۰-۴۹۹۹	۴۷۷۶	۱۵۸۶۷	۶/۲
<۵۰۰۰	۰	۷۶۵۹	۰

جدول ۶- نرخ رشد جمعیت روستایی به تفکیک دهستانهای ناحیه

نرخ رشد بر حسب دهستانهای ناحیه	جمعیت ۱۳۵۵	جمعیت ۱۳۷۵	نرخ رشد (%)
دهستان سفالگران	۷۵۲۷	۱۰۷۵۲	۱/۸
دهستان مهاجران	۱۳۴۵۰	۲۰۳۸۲	۲/۱
دهستان دیم کاران	۸۲۳۰	۱۱۱۲۲	۱/۵۵
دهستان صالح آباد	۹۷۲۳	۱۲۷۰۸	۱/۳۵
دهستان سیمپه رود	۱۷۷۱۲	۲۴۵۰۶	۱/۶۵

توسعه نیافتگی مناطق، اختلاف در پتانسیلهای محیطی و غیره که منجر به کاهش یا افزایش جمعیت یک منطقه می‌گردد، باشد. دهستان مهاجران از نظر طبیعی دارای بهترین پتانسیل از جمله زمینهای آبی مساعد کشاورزی، آب زیاد برای کشاورزی و توزیع متناسب سکونتگاههای روستایی و عدم وجود موانع طبیعی چون شیب و توپوگرافی و ... است. اینها عواملی هستند که می‌توانند با کاستن از میزان مهاجرتها به شهر باعث بالا رفتن نرخ رشد جمعیت روستایی دهستان گردند. خلاف این وضع در دهستان صالح آباد با کمبود در زمینهای آبی کشاورزی، توپوگرافی نامناسب و شیب بعنوان عوامل محدود کننده در فعالیتهای انسانی بوده و عامل مهاجرتها روستایی به شهر بشمار می‌رود. وجود یا عدم وجود پتانسیلهای طبیعی از جمله زمین مساعد و آب برای کشاورزی، از عوامل مهم تثبیت و یا پراکندگی جمعیت بشمار می‌رود (استیونس، ۱۹۹۶، ص ۸۷).

جمعیت فعال و وضع اشتغال در جامعه روستایی ناحیه

از کل جمعیت ناحیه ۴۸/۷۴ درصد در بخش کشاورزی و ۲۵/۳۲ درصد در بخش خدمات فعالیت داشته‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵، ص ۱۵). این آمارها تأیید کننده آنند که ناحیه مورد مطالعه یک ناحیه روستا - شهری است؛ چرا که در نقاط روستایی بیش از ۵۰ درصد از جمعیت فعال در بخش کشاورزی بوده و حال آنکه در نقاط شهری (روستا - شهری) تنها ۳/۳۵ درصد از جمعیت فعال به کار کشاورزی مشغول بوده‌اند. در سرشماری سال ۱۳۷۵، ۴۴/۷ درصد را جمعیت فعال ۱۰ ساله و بالاتر تشکیل می‌دادند که از این تعداد ۱/۳۴ درصد جمعیت، شاغل و ۲/۸ درصد جمعیت، بیکار بوده‌اند. همچنین حدود ۳/۵۵ درصد از کل جمعیت ناحیه، جمعیت غیر فعال اقتصادی بوده‌اند که نشان دهنده ساخت نامناسب اقتصادی جمعیت می‌باشد. برای اینکه میزان تعادل یا عدم تعادل بین جمعیت فعال را مشخص نماییم، از شاخص «بار تکفل» استفاده کرده‌ایم.

$$\text{بار تکفل در کل شهرستان} = \frac{۵۹۷۶۳}{۶۵۸۸۲} \times ۱۰۰ = ۹۰/۷\%$$

$$\text{بار تکفل در نقاط روستایی شهرستان} = \frac{۳۸۹۱۴}{۴۰۵۴۳} \times ۱۰۰ = ۹۶\%$$

هرچه «بار تکفل» پایین تر باشد، نشان دهنده تعادل اقتصادی و توان تولید اقتصادی بالاتر جمعیت است. در مناطق توسعه یافته معمولاً «بار تکفل» کمتر از ۵۰ درصد می باشد (کلارک، ۱۳۷۳، ص ۹۴). «بار تکفل» بدست آمده برای منطقه نشان می دهد که بویژه در مناطق روستایی عدم تعادل شدیدی وجود دارد که نشان دهنده میزان مهاجرت بالا، بخصوص مهاجرت جمعیت فعال اقتصادی است. در ناحیه مورد مطالعه در خصوص مردان حدود ۶۸/۲ درصد از جمعیت ۱۰ ساله و بالاتر را جمعیت فعال اقتصادی تشکیل می دهند ولی در زنان این میزان به حدود ۳/۹ درصد می رسد. در مورد اختلاف میزان جمعیت فعال اقتصادی مردان و زنان دلایل مختلفی را می توان ذکر نمود که از جمله یکی فرهنگ عمومی حاکم بر جامعه، بخصوص جامعه روستایی است که در آن اشتغال زنان در بیرون از خانه را نمی پذیرد همچنین نبود زمینه های مناسب برای اشتغال زنان در روستاها و نیز نوع اقتصاد حاکم بر آن جامعه که عمدتاً کشاورزی و دامپروری است، قابل ذکر است (پرسات و رولاند، ۱۹۷۱، ص ۲۶۷).

نتیجه گیری

مطالعه و پژوهشهای جمعیتی ناحیه نشانگر افزایش تدریجی جمعیت از سال ۵۵ تا ۱۳۷۵ می باشد؛ بطوریکه جمعیت روستایی ناحیه از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، ۳/۲ درصد رشد و از سال ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵، ۰/۲۵ درصد رشد داشته است. جمعیت روستایی ناحیه با تبدیل شدن روستاهای بزرگ به شهر (همانند روستای صالح آباد) از آهنگ رشد کمتری نسبت به رشد جمعیت شهری برخوردار می باشند. علاوه بر این، امر مهاجرت جمعیت روستایی به شهرها باعث کند شدن و کاهش درصدی جمعیت روستایی ناحیه نسبت به دوره های سرشماری قبلی شده است. با بررسیهای انجام شده در زمینه نرخ رشد جمعیت سکونتگاههای روستایی، محاسبه ضریب جینی، منحنی لورنزو و محاسبه مدل آنتروپی پراکنش جمعیت روستایی بر اساس طبقات جمعیتی طی سه دوره سرشماری، نتایج بدست آمده در مجموع حکایت از آن دارد که روستاها بطور طبیعی و در یک رقابت پنهان بسوی قطبی شدن حرکت می کنند. این امر نشانگر عدم تعادل بین دو عامل توزیع نقاط روستایی و توزیع جمعیت روستایی ناحیه از سال ۱۳۶۵ به ۱۳۷۵ است. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ یک تعادل نسبی بین این دو عامل وجود داشته، ولی از سال ۱۳۶۵ به ۱۳۷۵ بسوی عدم تعادل حرکت کرده و این امری انکارناپذیر است. نتایج بدست آمده همچنان نشان دهنده آن است که جمعیت ناحیه از مرحله اول گذشته و به بلوغ رسیده است؛ این امر با کاهش تعداد جمعیت ۴-۰ ساله ها و در هرم سنی بوضوح می شود. این کاهش بدلیل سیاستهای کنترلی جمعیت است که از سالها پیش از سوی دولت تبلیغ و اعمال گردیده و ادامه نیز خواهد یافت تا جمعیت در تکامل خود از این مرحله نیز عبور کرده و به تعادل برسد. از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ اکثر نقاط روستایی ناحیه دارای نرخ رشدی بالاتر از ۲٪ بوده اند؛ حال آنکه در دوره آماري ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ اکثر روستاها کمتر از ۲ درصد رشد داشته و حتی ۵۲/۷ درصد از کل روستاهای ناحیه دارای رشدی کمتر از صفر بوده اند. این موضوع همراه با خطرات خشکسالی و کم آبی و پایین بودن سطح درآمد و امکانات و خدمات روستاها بویژه روستاهای کوچک نسبت به جوامع شهری و بزرگتر، در آینده نه چندان دور باعث ایجاد بحران در زمینه کشاورزی و اقتصاد روستایی و معضلات شهری و برهم خوردن ساختار فضایی و مکانی سکونتگاهها و در نتیجه امنیت پایدار ملی خواهد شد.

منابع و مأخذ

- ۱- پروفیسور جانی ای، کلارک. «اصول و مبانی جغرافیای جمعیت»، ترجمه مهدوی، مسعود. نشر قومس، (۱۳۷۳).
- ۲- جمعه پور، محمود. «مکان‌گزینی بهینه مراکز توسعه روستایی و طراحی الگوی سلسله مراتبی سکونتگاه‌های با استفاده از سیستم GIS»، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه جغرافیا (۱۳۷۵).
- ۳- سلطانی، نبی‌الله. «برنامه‌ریزی به منظور ساماندهی فضایی و تعیین سلسله مراتب مطلوب سکونتگاه‌های روستایی شهرستان بهار»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا (۱۳۷۸).
- ۴- فرید، یدالله. «جغرافیای جمعیت»، انتشارات دانشگاه تبریز (۱۳۷۴).
- ۵- شیخی، محمدتقی. «تحلیل و کاربرد جمعیت‌شناسی»، ناشر اشرافی (۱۳۷۱).
- ۶- مرکز آمار ایران. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، سال (۱۳۵۵).
- ۷- مرکز آمار ایران. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، (۱۳۶۵).
- ۸- مرکز آمار ایران. «سرشماری عمومی نفوس و مسکن»، (۱۳۷۵).
- ۹- معزی، اسدالله. «مبانی جمعیت‌شناسی»، ناشر مؤسسه آوای نور (۱۳۷۱).
- ۱۰- نیک‌خلق، علی‌اکبر. «مبانی جمعیت‌شناسی»، چاپ گوتنبرگ (۱۳۷۴).

11- Perssat, Roland. Demographie social, p.u.f. Paris, 1971.

12- Robertson, I. the occupation, strure and distribution of rual populotion in G.B. 1971.

13- stevens, A. the distribution of rural population in G. B. 1966.